

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع ما

برگردان: مجله جنوب جهانی

فرستنده: عثمان حیدری

۰۶ جون ۲۰۲۵

جنگ سرد جدید امپریالیسم امریکا علیه چین، نژادپرستی ضد آسیائی را در داخل کشور تقویت می کند



یک تظاهرکننده در تجمعی با عنوان «جوامع خود را دوست بداریم: قدرت جمعی بسازیم» برای افزایش آگاهی از خشونت علیه آسیائی‌ها در لس‌آنجلس، ۱۳ مارچ ۲۰۲۱، شرکت می‌کند. | دامیان دووارگانس / آسوشیتدپرس

مقاله زیر که توسط دانکن مکارلند و لیو شوه‌گانگ نوشته شده، استدلال می‌کند که سیاست خارجی امریکا – به ویژه موضع خصمانه فزاینده آن در قبال چین – پیامدهای مستقیم و مضر برای جوامع چینی و آسیائی در ایالات متحده دارد.

نویسندگان تاریخ طولانی احساسات ضد آسیائی را که با ستراتیژی امپریالیستی امریکا مرتبط است، از قانون محرومیت چینی‌ها در سال ۱۸۸۲ تا تبلیغات جنگ سرد مکارتیستی در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۵۰ میلادی دنبال می‌کنند. در سال‌های اخیر، تشنج‌ها تحت دولت‌های جمهوریخواه و دموکرات بشدت افزایش یافته است. تیم ترمپ، چین را به عنوان یک تهدید ستراتیژیک اصلی اعلام کرد، یک جنگ تعرفه‌نی را آغاز نمود و حمله دولت به دانشمندان، محققان و دانشجویان چینی در امریکا را تشدید کرد.

این مقاله نتیجه می‌گیرد که امپریالیسم امریکا در حالی که به دنبال سلطه جهانی است، در داخل کشور تفرقه و نژادپرستی را تقویت می‌کند. این مقاله خواستار مقاومت در برابر جنگ سرد جدید و همبستگی با جنبش‌های جهانی برای صلح و همکاری است.

طبقه کارگر بین‌المللی خواهان جنگ نیست. ضروری است که با جنگ سرد ۲۰ مخالفت کنیم، برای صلح تلاش کنیم و از طرح‌ها، به ویژه در جنوب جهانی و چین، برای همکاری در مورد مسائل جهانی مانند تغییرات آب و هوایی، همه‌گیری‌ها، جنگ و فقر حمایت کنیم.

امپریالیسم امریکا جهان را به اردوگاه‌های متخاصم تقسیم می‌کند؛ این رویکرد اشتباهی است. مردم جهان خواهان صلح، رفاه و همکاری هستند. سیاست هژمونی امریکا در خارج از کشور، نژادپرستی را در داخل ترویج می‌دهد؛ مبارزه برای عدالت و آزادی در داخل کشور نیز مبارزه‌ای برای صلح در خارج از کشور است. این مقاله در ابتداء در نشریه «[People's World](#)» منتشر شده است. نویسندگان اعضای کمیته فرعی آسیا-اقیانوسیه، کمیسیون صلح و همبستگی، CPUSA هستند.

سیاست خارجی امریکا می‌تواند تأثیر زیادی بر زندگی روزمره مردم در داخل کشور داشته باشد، و سیاست امریکا در قبال چین نمونه بارزی از آن است. زمانی که امریکا یک سیاست خارجی خصمانه و ضد چینی را دنبال می‌کند، نژادپرستی و سرکوب در جوامع آسیائی و چینی‌تبار امریکائی در ایالات متحده افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، زمانی که روابط با چین خوب بود، مانند دوران جنگ جهانی دوم یا دهه ۱۹۸۰، رسانه‌های جریان اصلی، چینی-امریکائی‌ها را دوستانه، میهن‌پرست و «اقلیت نمونه» به تصویر می‌کشیدند.

پیشینه تاریخی

همزمان با تشدید جنگ سرد جدید امپریالیسم امریکا علیه چین، الگوهای آشنا تحت شرایط جدیدی در حال تکرار هستند. راه‌آهن مرکزی پاسیفیک تعداد زیادی از مهاجران چینی را برای ساخت نیمه غربی راه‌آهن تراس‌کانتیننتال به کار گرفت که در سال ۱۸۶۹ تکمیل شد. با این حال، هیچ کارگر چینی به مراسم پایانی پروژه دعوت نشد. به ویژه با سرنگونی دوران بازسازی، نگرش‌های نژادپرستانه حاکم شد و قانون محرومیت چینی‌ها در سال ۱۸۸۲ به امضاء رسید. این قانون ورود کارگران چینی به ایالات متحده را مسدود کرد؛ این اولین قانون ضد مهاجرت بود که یک گروه قومی یا کشور مبدأ خاص را هدف قرار می‌داد.

در سال ۱۹۱۳، رمان «فو مانچو خائن» (The Insidious Fu Manchu) به موفقیت بزرگی دست یافت و به یک نماد فرهنگی پر از کلیشه‌های نژادپرستانه درباره دکتر فو، شخصیت همیشه در کمین و خائن، تبدیل شد. اما در دهه ۱۹۳۰، امریکا و چین به متحدان مهمی در جنگ اقیانوس آرام علیه امپریالیسم و تجاوز جاپان تبدیل شدند.

رسانه‌های امریکائی مقاومت گسترده چینی‌ها را بسیار مثبت به تصویر کشیدند. به عنوان مثال، رمان «زمین خوب» (The Good Earth) اثر پرل باک، تصویری دلسوزانه از رنج دهقانان و مردم چین ارائه داد؛ این کتاب در امریکا به پرفروش‌ترین‌ها تبدیل شد. مجله تایم، رئیس‌جمهور چیانگ کای‌شک را با لبخندی بر لب روی جلد خود نشان داد، و مادام چیانگ کای‌شک در یک کمپین تبلیغاتی گسترده برای دریافت کمک بیشتر امریکا برای چین در مبارزه با جاپان، از کاخ سفید دیدن کرد.

اما زمانی که انقلاب پیروزمندانه چین، به رهبری حزب کمونیست چین، در سال ۱۹۴۹ قدرت را به دست گرفت، تصاویر فرهنگی و اجتماعی دوباره تغییر کردند. چین اکنون دشمن جنگ سرد بود و هرگونه دوستی با چین سرکوب می‌شد. مقامات وزارت خارجه که «نسبت به چین نرم» تلقی می‌شدند، اخراج شدند و حرفه بسیاری از دیپلمات‌ها نابود شد.

کورئائی‌ها «گول‌ها» (gooks) نامیده شدند و کارگران چینی در پروژه‌های ساخت و ساز توده‌ای سوسیالیستی که لباس کار آبی می‌پوشیدند، «مورچه‌های آبی» نامیده می‌شدند. کمونیست‌های آسیائی به عنوان روانشناسان ترسناک و متخصص «شست و شوی مغزی» غربی‌های بی‌چاره تلقی می‌شدند، همانطور که در فلم «نامزد منچوریائی» (The Manchurian Candidate) به تصویر کشیده شد. به همین ترتیب، تصاویر نژادپرستانه از ویتنامی‌ها در رسانه‌های امریکائی و فرهنگ عامه در طول جنگ ویتنام رایج بود.

با نزدیکی امریکا و چین در دهه ۱۹۷۰ و گسترش مشارکت تجاری امریکا در بخش سرمایه‌داری یا غیردولتی چین در دهه ۱۹۸۰، مردم چین دوباره با عباراتی دوست‌داشتنی و دوستانه به تصویر کشیده شدند. تبادلات آموزشی و فرهنگی به سرعت رشد کرد و بسیاری از چینی‌ها برای تحصیل و تحقیق به دانشگاه‌های امریکا آمدند.

رسانه‌های جریان اصلی، آسیائی‌ها را به عنوان اقلیت نمونه به تصویر می‌کشیدند؛ افرادی سخت‌کوش، جدی در زمینه آموزش، خانواده‌گرا و موفق. رمان «باشگاه جوی لاک» (The Joy Luck Club) به یک کتاب پرفروش ملی و یک فلم محبوب تبدیل شد. المپیک ۲۰۰۸ بیجینگ یک رویداد تلویزیونی دیدنی بود که به طور گسترده توسط مخاطبان امریکائی تماشا شد و مفسران خبری از آن به شگفت آمده بودند.

روابط رو به وخامت می‌رود

اما اوضاع با رکود بزرگ سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۸ دوباره تغییر کرد. در حالی که بخش صادرات چین میلیون‌ها شغل را از دست داد، دولت چین با هزینه‌های محرک اقتصادی گسترده برای ساخت راه‌آهن، مسکن و زیرساخت‌های روستائی، وضعیت را مدیریت کرد. بانک مرکزی چین نرخ بهره را کاهش داد و الزامات ذخیره بانک‌های محلی را کم کرد. بزودی، اقتصاد دوباره به سرعت در حال گسترش بود.

مدیریت موفقیت‌آمیز بحران توسط چین برای حفظ رشد و ثبات، تضاد شدیدی با رکود اقتصادی در غرب داشت. طبقه حاکم امریکا به طور فزاینده‌ای نگران تبدیل شدن چین در حال رشد سریع به یک قدرت اقتصادی و احتمالاً یک «رقیب هم‌تراز» خطرناک شد.

به این ترتیب، «محور به سمت آسیا» در سال ۲۰۱۱ توسط وزیر امور خارجه هیلری کلینتن اعلام شد، که برنامهریزی و منابع نظامی را به آسیای شرقی منتقل کرد، به ویژه برای ساخت پایگاه‌های نظامی و ایجاد اتحادیه‌ای در اطراف چین. دولت او باما فشار نظامی بر چین را تشدید کرد اما در عین حال سطح قابل توجهی از همکاری را نیز حفظ کرد، از جمله در مورد تغییرات آب و هوائی، در اجلاس آب و هوائی سازمان ملل متحد در پاریس در سال ۲۰۱۵.

روابط امریکا و چین در دوران اولین دولت ترمپ بشدت بدتر شد. ستراتیژی امنیت ملی ۲۰۱۸ او رسماً چین را به عنوان مشکل اصلی بلندمدت برای سلطه جهانی امریکا در عصر جدید رقابت قدرت‌های بزرگ شناسائی کرد.

ترمپ در سال ۲۰۱۸ به طور یکجانبه تعرفه‌ها را بر محصولات چینی افزایش داد و شرکت هواوی (Huawei Technologies)، شرکت پیشرو مخابراتی چین، را با ممنوعیت فروش و تحریم‌هایی با هدف توقف قابلیت‌های تولید

بیشرفته‌شان هدف قرار داد. امریکا حتی کانادا را تحت فشار قرار داد تا منگ وانژو (Meng Wanzhou)، مدیر ارشد مالی هواوی را رها کند. دو سال بعد، او از حصر خانگی آزاد شد.

با همه‌گیری کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰، ترمپ از نژادپرستی ضد چینی برای سرزنش دیگران بابت شکست‌های خودش استفاده کرد و به همین دلیل از اصطلاحاتی مانند «ویروس چین» و «آنفلوآنزای کونگ» استفاده کرد.

لفاظی‌های او همزمان با افزایش سریع تعداد جرایم نفرت‌پراکنی علیه آسیایی‌ها بود.

داده‌های نشان‌دهنده این افزایش توسط «استاپ ای‌ای‌پی‌ای هیت» (Stop AAPI Hate)، که توسط یک استاد در دانشگاه ایالتی سانفرانسیسکو تأسیس شده، جمع‌آوری شد. در خیابان‌ها توهین‌های کلامی وجود داشت، و برخی از سالمندان چینی از سوار شدن به اتوبوس محلی یا رفتن به فروشگاه مواد غذایی می‌ترسیدند. خشونت مستقیم نیز وجود داشت که اوج آن تیراندازی در اسپای آتلانتا بود که در آن شش زن آسیایی کشته شدند.

دولت جمهوری‌خواه همچنین پروژه «ابتکار چین» (China Initiative) را راه‌اندازی کرد، که صدها مورد از خطرات امنیتی فرضی، جاسوسان، و سارقان فناوری برای چین را در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی بزرگ امریکا هدف قرار داد. این پروژه در زمینه افشای جاسوسان واقعی بی‌نتیجه بود، اما برخی از دانشمندان و محققان برجسته را در دانشگاه MIT، دانشگاه تنسی، دانشگاه ایلینوی جنوبی و بسیاری از جاهای دیگر مورد آزار و اذیت قرار داد.

برخی از این افراد موقعیت‌های خود را ترک کرده و به چین بازگشتند، که در فضای بی‌اعتمادی به یک روند رو به رشد تبدیل شد. چارلز لیبر (Charles Lieber)، نانودانشمند مشهور در دانشگاه هاروارد، به همکاری پنهانی با دانشگاه علم و فناوری ووهان متهم شد؛ او هاروارد را برای فرصت‌هایی در آسیا ترک کرد.

مؤسسه ملی سلامت (NIH)، دانشمندان چینی‌تبار را به عنوان خطرات امنیتی بالقوه مورد بررسی قرار داد. دکتر جین وو (Dr. Jane Wu) از دانشگاه نورث‌وسترن هدف قرار گرفت. آزمایشگاه او بسته شد و حرفه‌اش بشدت آسیب دید. او در ۱۰ جولای ۲۰۲۴ دست به خودکشی زد. در طول تحقیقات روزنامه «ساوت چاینا مورنینگ پست» (South China Morning Post) که این حادثه غم‌انگیز را گزارش داد، دانشگاه نورث‌وسترن از ارائه هرگونه اطلاعات در مورد او خودداری کرد و حتی پس از مرگش، یادبودی در وبسایت خود قرار نداد.

ضدیت با کمونیسم در مرکز توجه قرار می‌گیرد

دولت بایدن و رسانه‌های جریان اصلی بر سیاست ضدچینی خود پافشاری کرده و با تمرکز بر جلوگیری از فروش اقلام هایتک مانند تراشه‌های سیلیکونی پیشرفته به چین، به دنبال شکست دادن چین در «رقابت شدید» هستند.

ضدکمونیست‌های تندرو در کنگره نفوذ پیدا کردند. مجلس نمایندگان امریکا تحت رهبری جمهوریخواهان، «کمیته منتخب رقابت ستراتیژیک بین ایالات متحده و حزب کمونیست چین» را برای تحقیق و حمایت از سیاست‌های ضدچینی و ضدکمونیستی تشکیل داد. این کمیته انواع قوانین ضدچینی را تدوین و ترویج کرد.

در بسیاری از ایالت‌های امریکا، قوانین «زمین بیگانگان» که فروش زمین و املاک را به شهروندان چینی ممنوع می‌کرد، دوباره احیاء شد؛ این یادآور قانون سال ۱۹۲۲ در ایالت واشنگتن بود که مهاجران جاپانی را از مالکیت ملک منع می‌کرد. در عمل، قوانین زمین بیگانگان ذاتاً علیه شهروندان و مهاجران به طور یکسان تبعیض‌آمیز هستند.

لایحه‌ای در کنگره برای ممنوعیت دریافت ویزای دانشجویی برای شهروندان چینی جهت تحصیل در امریکا ارائه شد - نوع جدیدی از محرومیت. اگرچه این لایحه هنوز به قانون تبدیل نشده است، اما تعداد چینی‌هایی که به دنبال

تحصیلات عالی در امریکا هستند، شدت در حال کاهش است. تهاجم قانونی ضدچینی در سال ۲۰۲۴، لحنی پارانوئیدی داشت و نگرانی فرضی درباره تسلط خصمانه چین را تقویت می‌کرد.

در بوستون، یک کارگر چینی‌تبار امریکائی و عضو بازنشسته اتحادیه Unite Here Local 26 در سال ۲۰۲۳ دستگیر و متهم به اقدام به عنوان عامل ثبت نشده برای یک کشور خارجی شد، زیرا او ظاهراً از یک رویداد طرفدار استقلال تایوان عکس گرفته بود. محاکمه او با حکم تبرئه در تمامی اتهامات به پایان رسید، اما این حادثه نمونه‌ای از فضای احتیاط و ترسی است که بر جامعه چینی تحمیل می‌شود، به عنوان مثال، در مورد حمایت از چین سوسیالیست یا دولت چین.

دومین دولت ترمپ

دومین دولت ترمپ با موجی از فرمان‌های اجرائی آغاز شد. یکی از اولین آن‌ها، در ۲۰ جنوری، حق شهروندی ناشی از تولد را برای فرزندان مهاجرانی که شهروند نیستند، نامعتبر اعلام کرد. این موضوع در جامعه چینی، که سلب تابعیت و حقوق مهاجران یک واقعیت تاریخی است، طنین‌انداز شد.

این فرمان اجرائی توسط قاضی‌های فدرال مسدود شد، زیرا به نظر می‌رسید که با متمم چهاردهم قانون اساسی، که شهروندی را برای هر کسی که در ایالات متحده متولد می‌شود تضمین می‌کند، در تضاد است. دادگاه عالی قرار است این پرونده را در ماه می بررسی کند.

حق شهروندی ناشی از تولد در پرونده‌ای در سال ۱۸۹۸ که توسط وانگ کیم آرک و جامعه چینی مطرح شد، توسط دادگاه عالی تأیید شد. اما چینی‌ها تا سال ۱۹۴۳، زمانی که قانون محرومیت چینی‌ها لغو شد، اجازه درخواست تابعیت از طریق تابعیت‌پذیری را نداشتند. در جنگ جهانی دوم، چین و امریکا متحدانی در مبارزه با فاشیسم بودند، اما امروز شاهد احیای کلیشه «خارجی همیشگی» هستیم.

کمپین ضد مهاجر و ضد خارجی ترمپ قربانیان جدیدی گرفته است. «ابتکار چین» نیز احیاء شد: یک استاد چینی با سابقه از دانشگاه ایندیانا پس از قرار گرفتن تحت نظارت ناگهانی، همراه با همسرش ناپدید شد. در حمله دیگری به آموزش عالی، کمیته منتخب مجلس نمایندگان امریکا در مورد حزب کمونیست چین نامه‌ای به چندین دانشگاه برجسته، از جمله دانشگاه مریلند، نوشت و دستور تحقیقات در مورد خطر امنیتی فرضی مرتبط با چینی‌ها در محوطه دانشگاه را صادر کرد.

در همین حال، آژانس اجرای مهاجرت و گمرک (ICE) فشار بر جوامع مهاجر را با دستگیری افراد، از جمله کسانی که وضعیت قانونی داشتند، افزایش داد. راهپیمائی‌هایی در حمایت از حقوق مهاجران در سراسر جنوب کالیفرنیا برگزار شد، و همچنین یک «روز بدون مهاجران» در سراسر کشور در اعتراض به برنامه‌های اخراج گسترده ترمپ برگزار شد. در بسیاری موارد، ویزای دانشجویان خارجی به طور ناگهانی لغو شد، سپس بازگردانده شد و دوباره لغو گردید.

همه این اقدامات به دامن زدن به فضای خارجی‌ستیزی و نژادپرستی کمک کرد. برخی از چینی‌تبارهای امریکائی از ترس عدم اجازه ورود مجدد، تمایلی به بازدید از خانواده و اجداد خود در چین ندارند.

نه به جنگ سرد ۰.۲

ضدکمونیست‌های راست افراطی در آغاز جلسه سال ۲۰۲۵ کنگره، قانونی را برای نفی سیاست «چین واحد» و به رسمیت شناختن کامل تایوان به عنوان یک کشور مستقل ارائه کردند. این امر خطر یک جنگ واقعی را به همراه دارد؛ مسأله تایوان «خط قرمز شماره یک» چین است.

در همین حال، ترامپ یک جنگ تعرفه‌ئی جهانی را آغاز کرد که چین را به عنوان مشکل اصلی معرفی کرد و تعرفه‌های مضحکی مانند ۱۴۵٪ و ۲۴۵٪ را وضع کرد. جنگ تعرفه‌ئی به تداوم تیرگی روابط امریکا و چین و فضای سرکوبگراییانه ضدچینی در کشور کمک کرده است.

طبقه کارگر بین‌المللی خواهان جنگ نیست. ضروری است که با جنگ سرد ۲۰۰ مخالفت کنیم، برای صلح تلاش کنیم و از طرح‌ها، به ویژه در جنوب جهانی و چین، برای همکاری در مورد مسائل جهانی مانند تغییرات آب و هوایی، همه‌گیری‌ها، جنگ و فقر حمایت کنیم.

امپریالیسم امریکا جهان را به اردوگاه‌های متخاصم تقسیم می‌کند؛ این رویکرد اشتباهی است. مردم جهان خواهان صلح، رفاه و همکاری هستند. سیاست هژمونی امریکا در خارج از کشور، نژادپرستی را در داخل ترویج می‌دهد؛ مبارزه برای عدالت و آزادی در داخل کشور نیز مبارزه‌ای برای صلح در خارج از کشور است.